

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۲۶

(ص ۴۷-۷۷)

## مآخذشناسی پژوهش‌های زبان مازندرانی

(معرفی پایان‌نامه‌های سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۹۴)<sup>۱</sup>

محمد صالح ذاکری\*

### چکیده

پایان‌نامه‌ها، از مهم‌ترین منابع پژوهشی به شمار می‌آیند که آخرین یافته‌های علمی را در هر رشته‌ای بازتاب می‌دهند؛ ولی متأسفانه آشنایی با این منابع و دسترسی به آنها در ایران به‌دشواری صورت می‌گیرد. در سال‌های گذشته، شماری از پایان‌نامه‌های مربوط به زبان‌های محلی ایرانی به‌صورت پراکنده در بعضی از منابع کتاب‌شناسی معرفی شده‌است. در دهه‌های اخیر نیز از سوی برخی پژوهشگران، تلاش‌های ارزنده‌ای در زمینه معرفی پایان‌نامه‌های مربوط به زبان‌های ایرانی صورت گرفته‌است. با توجه به گستردگی پژوهش‌ها درباره‌ی زبان مازندرانی و نیاز پژوهشگران به آشنایی با این منابع، نگارنده در این مقاله کوشیده‌است تا به‌طور جداگانه، پایان‌نامه‌های مربوط به زبان مازندرانی را معرفی کند و به این منظور ابتدا مشخصات ۱۴۳ پایان‌نامه‌ی مربوط به زبان مازندرانی را در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری گرد آورده و سپس به نتایج حاصل از گردآوری این اطلاعات پرداخته‌است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان مازندرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رساله دکتری

<sup>۱</sup> این مقاله، بخشی از طرح پژوهشی نگارنده است.

\* دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

### ۱. مقدمه

بر هر پژوهشگری بایسته است که برای اجتناب از دوباره‌کاری، به مرور منابع پیشین یا به اصطلاح پیشینه پژوهش اپردازد تا بتواند در عرصه پژوهش گامی به پیش نهد و دستاورد تازه‌ای به جامعه علمی عرضه کند.

منابع پژوهشی در قالب‌های گوناگونی عرضه می‌شوند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مقاله، کتاب، طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه. حال اگر پژوهشگری بخواهد در زمینه زبان مازندرانی تحقیق کند، با کمی جستجو می‌تواند به انبوهی از «مقالات» و «کتاب‌ها» دسترسی پیدا کند، ولی دستیابی به «پایان‌نامه‌ها» به سبب عدم انتشار معمولاً دشوار است و درست به همین دلیل نیز بسیاری از پژوهشگران از موضوع پایان‌نامه‌های حوزه تخصصی خود بی‌خبرند. افزون بر این، هر دانشگاهی، مقررات و محدودیت‌های خاصی برای دسترسی مراجعه‌کنندگان به پایان‌نامه‌ها دارد (برای آگاهی از مقررات دانشگاه‌های مختلف ایران در این زمینه، نک: پیشگام‌داد/ زندیان، ۱۳۸۶: ۴-۳). برخی از دانشگاه‌ها به هیچ‌وجه اجازه دسترسی به این نوع منابع را نمی‌دهند، از سوی دیگر حتی اگر دانشگاه‌ها هم، چنین امکانی را برای پژوهشگران فراهم کنند، بسیاری از محققان، برای استفاده از پایان‌نامه‌ها امکان و فرصت مراجعه به تک‌تک دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها را ندارند. نگارنده این مقاله با آگاهی از این مشکلات و با توجه به اینکه پایان‌نامه، مهم‌ترین دستاورد علمی هر دانش‌آموخته دانشگاهی است کوشیده‌است به علاقه‌مندان و پژوهشگران زبان مازندرانی یاری رساند و مشخصات کتاب‌شناختی پایان‌نامه‌های موجود را در اختیار آنها قرار دهد.

البته ممکن است شماری از این پایان‌نامه‌ها به سبب گذشت سال‌های بسیاری از زمان نگارش آنها از نظر معیارهای پژوهشی نوین، بسیار پیش‌پاافتاده و یا حتی نامعتبر محسوب شوند. ولی باید توجه داشت، حتی اگر تحلیل‌های این پایان‌نامه‌ها، اعتبار زیادی نداشته باشد، ممکن است از تجزیه و تحلیل مجدد مواد و داده‌های آنها اطلاعات ارزشمندی حاصل شود. اگرچه آشنایی با پایان‌نامه‌های مربوط به زبان مازندرانی می‌تواند برای بسیاری از پژوهشگران مفید باشد، ولی مخاطب این منابع، به‌طور ویژه، چند گروه هستند:

نخست، دانشجویانی که قصد نگارش پایان‌نامه‌ای دربارهٔ زبان مازندرانی دارند و در مرحلهٔ «انتخاب موضوع» هستند. این دانشجویان می‌توانند با مراجعه به این مجموعه، از «پیشینهٔ پژوهش» در این حوزه آگاه شوند و موضوع تازه‌ای برای پایان‌نامهٔ خود برگزینند.

گروه دوم، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها هستند که به‌عنوان «استاد راهنما» یا «مشاور»، مسئولیت نظارت بر پایان‌نامه‌های مربوط به زبان مازندرانی را برعهده می‌گیرند. آنها نیز از با استفاده از این مجموعه می‌توانند به دانشجویان برای انتخاب موضوع تازه و غیرتکراری کمک کنند. شایان ذکر است که نگارنده با بررسی پایان‌نامه‌های این مجموعه متوجه شد که متأسفانه برخی از آنها از روی هم به‌اصطلاح «کپی‌برداری» شده‌اند که این موضوع خود نشان‌دهندهٔ این است که استادان راهنمای این پایان‌نامه‌ها، از موضوع و محتوای پایان‌نامه‌های پیشین بی‌اطلاع بوده‌اند. ظاهراً، قراردادن نسخهٔ الکترونیکی بعضی از این پایان‌نامه‌ها در فضای مجازی، امکان سوءاستفاده و سرقت علمی را فراهم کرده است.

آخرین گروه، مسئولان استان مازندران و به‌ویژه، تصمیم‌گیران فرهنگی این استان هستند. آنها می‌توانند با دسترسی به این مجموعه، از دستاوردهای علمی دانشگاه‌های مختلف در زمینهٔ زبان مازندرانی آگاهی یابند و از یافته‌ها و نتایج این پژوهش‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آیندهٔ استان استفاده کنند. گفتنی است در دهه‌های اخیر، بسیاری از اهالی مازندران از آموزش زبان مازندرانی به فرزندان خود خودداری می‌کنند. به همین سبب، زبان مازندرانی بر پایهٔ معیارهای زبان‌شناختی در حال حاضر جزو «زبان‌های در معرض خطر»<sup>۱</sup> به شمار می‌آید. بنابراین، دستاوردهای این پایان‌نامه‌ها می‌تواند به ادارات و سازمان‌هایی، مانند استانداری، آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزهٔ هنری و صدا و سیما، برای حفظ و ثبت و ضبط این زبان یاری رساند.

همچنین با توجه به اینکه مازندران، جزء مناطق **دوزبانه**<sup>۲</sup> به شمار می‌آید، یافته‌های علمی پایان‌نامه‌هایی که به مسئلهٔ آموزش زبان به دانش‌آموزان دوزبانه اختصاص یافته‌اند، می‌تواند مورد استفاده مسئولان آموزش و پرورش استان مازندران قرار گیرد.

<sup>1</sup> endangered languages

<sup>2</sup> bilingual

## ۲- روش کار

نگارنده برای گردآوری اطلاعات پایان‌نامه‌های مربوط به زبان مازندرانی از راه‌های مختلفی اقدام کرده‌است: مراجعه به کتاب‌ها، مقاله‌ها، سایت‌های اینترنتی مربوط به دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی و همین‌طور سایت‌های کتابخانه ملی ایران و پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران (ایراندک<sup>۱</sup>)، مراجعه حضوری به بعضی از دانشگاه‌ها و گفتگوی حضوری و تلفنی با استادان و دانشجویان رشته‌های ذریط.

ملاک ما برای اینکه پایان‌نامه‌ای را مربوط به زبان مازندرانی بدانیم، صرفاً محدوده جغرافیایی فعلی استان مازندران نبوده؛ چرا که مرزهای جغرافیایی فعلی این استان لزوماً با مرزهای زبانی و فرهنگی و تاریخی آن همخوانی ندارد. در بسیاری از مناطق مازندران، با وجود تغییر مرزهای جغرافیایی، کاربرد زبان به صورت پیوستاری<sup>۲</sup> ادامه می‌یابد. بر این اساس، گونه‌هایی از زبان مازندرانی، در بخش‌هایی از استان‌های همسایه مازندران، مانند گلستان، سمنان، تهران و البرز نیز رواج دارد و به همین سبب، پایان‌نامه‌هایی که به زبان برخی از این مناطق پرداخته‌اند نیز در این فهرست گنجانده شده‌اند (مانند این پایان‌نامه‌ها: حاجی مشهدی، ۱۳۶۵؛ علمداری، ۱۳۷۳؛ ساداتی، ۱۳۷۴؛ اسفندیار، ۱۳۸۵؛ مددی، ۱۳۸۵؛ کلهر، ۱۳۸۸؛ روحانی، ۱۳۹۰؛ کاردگر، ۱۳۹۰؛ مؤمنی، ۱۳۹۱؛ زنگانه، ۱۳۹۲).

معمولاً در کتاب‌شناسی‌ها، منابع را به ترتیب «الفبایی نام خانوادگی پدیدآورنده» تنظیم می‌کنند، ولی نگارنده در مقاله حاضر، این پایان‌نامه‌ها را بر اساس «سال نگارش» مرتب کرده‌است. این روش نسبت به روش الفبایی، مزایایی دارد: نخست اینکه، با این روش هم «فضل تقدّم» پدیدآورندگان آثار نشان داده می‌شود و هم «سیر تاریخی» پژوهش‌های زبان مازندرانی. البته در مواردی که سال نگارش دو یا چند پایان‌نامه یکسان بوده، نگارنده آنها را به ترتیب الفبایی نام پدیدآورنده تنظیم کرده‌است. ضمناً، فهرست پایان‌نامه‌های دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به صورت جداگانه تدوین شده‌اند.

گفتنی است در زبان فارسی و انگلیسی، اغلب از اصطلاح **پایان‌نامه**<sup>۳</sup> و گاه از اصطلاح **رساله**<sup>۴</sup> برای پژوهش‌های پایانی دوره‌های «کارشناسی ارشد» و «دکتری» استفاده می‌شود، ولی ما

<sup>۱</sup> IRANDOC

<sup>۲</sup> continuum

<sup>۳</sup> thesis

<sup>۴</sup> dissertation

در این مقاله به خاطر رعایت همسانی، برای تمامی دوره‌ها، از اصطلاح **پایان‌نامه** استفاده کرده‌ایم.

### ۳- پیشینه موضوع

تا سال ۱۳۷۳ مشخصات برخی از پایان‌نامه‌های مربوط به زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، از جمله زبان مازندرانی به صورت پراکنده در بعضی از منابع کتاب‌شناسی آمده بود. در این سال، نرجس جواندل صومعه‌سرای، «چکیده پایان‌نامه‌های زبان‌شناسی (از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۲)» را منتشر کرد که بخشی از آنها به زبان مازندرانی مرتبط بود. بعد از او، محمدامین ناصح به صورت گسترده‌تر، به معرفی پایان‌نامه‌های مربوط به زبان و زبان‌شناسی پرداخت و نتیجه کار خود را در قالب چند کتاب و مقاله منتشر کرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: «فهرست پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری در زمینه گویش‌های ایران (از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۹)» و «چکیده پایان‌نامه‌های حوزه زبان و زبان‌شناسی (از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۸۵)». در این مجموعه‌ها، تعدادی از پایان‌نامه‌های مربوط به زبان مازندرانی هم معرفی شده‌اند. گذشته از این، در بعضی از کتاب‌ها و مقالاتی که اطلاعات کتاب‌شناسی مربوط به استان مازندران را گردآوری کرده‌اند، برخی از این پایان‌نامه‌های زبان مازندرانی نیز معرفی شده‌اند که مهم‌ترین آنها مقاله‌ای است به زبان انگلیسی<sup>۱</sup> از حبیب برجیان که در سال ۲۰۰۴/۱۳۸۳ در مجله *ایران و قفقاز*<sup>۲</sup> منتشر شده است.

اگر چه این تلاش‌ها، بسیار ارزشمند است، ولی با توجه به گسترش مطالعات زبان‌شناسی در سال‌های اخیر و نیاز پژوهشگران به آشنایی با آنها، نگارنده در این مقاله قصد دارد به صورت اختصاصی و جامع، پایان‌نامه‌های مربوط به زبان مازندرانی را معرفی کند.

### ۴- فهرست پایان‌نامه‌ها

#### الف- پایان‌نامه‌های کارشناسی

۱. سورتیجی، فخرالدین (۱۳۳۹)، «وندهای مازندرانی در گویش مردم ساری»، رشته

<sup>۱</sup> "Māzandarān: Language and People (The State of Research)"

<sup>۲</sup> *Iran and the Caucasus*

- ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۳۹ ص.
۲. نوریان قادیکلایی، ایرج (۱۳۴۱)، «گویش شاهی»، رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۲۴ ص.
۳. برزویی، کیومرث (۱۳۴۴)، «اوضاع تاریخی و جغرافیایی، آداب و سنن و لهجه مازندرانی»، رشته ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.
۴. گرجی‌زاده، زهرا (۱۳۴۸)، «تحقیق در افعال گویش شهرستان بابل»، رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران.
۵. ساداتیان جویباری، رضا (۱۳۵۰)، «لهجه مازندران، جهات دستوری و مفردات لهجه مازندرانی»، رشته ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.
۶. مسلمی‌پطودی، رقیه (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت گویش مازندرانی در میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان جویبار»، استاد راهنما: احمد رضایی، رشته علوم اجتماعی (گرایش پژوهشگری)، دانشگاه مازندران، ۱۲۱ ص.

#### ب- پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد

۱. درگاهی، اختر (۱۳۴۵)، «بررسی و مقایسه فعل‌واژه گویش آمل با فعل‌واژه زبان فارسی»، استاد راهنما: محمدرضا باطنی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۲۲ ص.
۲. جهانگیری، نادر (۱۳۵۲)، «بررسی تعداد، توزیع و گسترش گویش‌های رایج در استان مازندران»، استاد راهنما: یدالله ثمره، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۷۵ ص.
۳. حاجی‌مشهدی، عزیزالله (۱۳۶۵)، «نگاهی کلی به ساختمان دستوری گویش مازندرانی»، استاد راهنما: علی‌اشرف صادقی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۸۶ ص.
۴. دهگان، روزبه (۱۳۶۸)، «فرهنگ تطبیقی گونه‌های گویش مازندرانی»، استاد راهنما: علی‌اشرف صادقی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۷۳ ص.
۵. سہائی، سیدمحمدی (۱۳۷۰)، «بررسی گویش تنکابنی»، استاد راهنما: علی‌اشرف صادقی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۲۰۹ ص.

6. Aghagolzadeh, Ferdows (1994), "Verb Phrase in the Mazandarani Eastern Dialect", Guided by: Ali-Mohammad Haghshenas, Department of Linguistics, Tarbiat-Modarres University, 102 p.

[آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۷۲)، «گروه فعلی در گویش مازندرانی شرقی»، استاد راهنما: علی محمد حق‌شناس، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۰۲ ص.]

۷. حدادی، نصرت‌الله (۱۳۷۳)، «فرهنگ واژگان فارسی-مازندرانی (گویش آملی)»، استاد راهنما: جلیل تجلیل، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۲۵۳ص.

۸. علمداری، مهدی (۱۳۷۳)، «فرهنگ، گویش و ادبیات شهر دماوند»، استاد راهنما: حسن احمدی گیوی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۲۶۰ص.

۹. ولایی، مجید (۱۳۷۳)، «بررسی اجزای کلام در گویش مازندرانی شرقی؛ لهجه آملی»، استاد راهنما: محمد دبیرمقدم، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۷۵ ص.

۱۰. جعفری، محمدجواد (۱۳۷۴)، «بررسی گویش سوادکوهی»، استاد راهنما: مصطفی عاصی، رشته زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۲۹ص.

۱۱. حمیدی، ناصر (۱۳۷۴)، «بررسی ساخت‌واژه در گویش مازندرانی»، استاد راهنما: ویدا شقاقی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۱۶ص.

۱۲. ساداتی، سید مجید (۱۳۷۴)، «بررسی گویش دماوندی»، استاد راهنما: یدالله ثمره، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۹۵ص.

۱۳. شمشیریان، مهدی (۱۳۷۴)، «پژوهشی ریشه‌شناسانه در گویش مازندرانی (سورکی)»، استاد راهنما: محمودرضا دستغیب همشتی، رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه شیراز، ۱۱۸ص.

۱۴. مؤمنی، فرشته (۱۳۷۴)، «بررسی زبان‌شناختی گویش دامنه شمالی البرز مرکزی با ارائه اطلس زبانی و مقایسه آن با گویش‌های همسایه»، استاد راهنما: یدالله ثمره، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۴ص.

۱۵. فخر روحانی، محمدرضا (۱۳۷۵)، «نقی در گوته شرقی گویش مازندرانی»، استاد راهنما: مصطفی عاصی، رشته زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۰۹ص.

16. Bagherzadeh Kasmani, Morad (1998), "A description of the Mazandarani Dialect (Baboli Dialect)", Supervised by: Dr. Firouz Sadighi, Department of Linguistics, Shiraz University, 200 p.

[باقرزاده کاسمانی، مراد (۱۳۷۶)، «توصیفی از گویش مازندرانی (گویش بابلی)»، استاد راهنما: فیروز صدیقی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز، ۲۰۰ص].

۱۷. رادمرد، رقیه (۱۳۷۶)، «بررسی و توصیف گویش رامسر»، استاد راهنما: رضا زمردیان، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۵۰ص.

۱۸. شاکری، مهدی (۱۳۷۶)، «گویش سیدخیل (مازندرانی)»، استاد راهنما: فرح زاهدی، رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تهران، ۱۷۹ص.

۱۹. جعفری آهنگرکلایی، آمنه (۱۳۷۷)، «آواشناسی و واج‌شناسی گویش قائم‌شهر»، استاد راهنما: علی‌اشرف صادقی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۳۱۰ص.

۲۰. نعیمی، احمد (۱۳۷۷)، «واژگان گویش مازندرانی و معادل فارسی آنها و حتی‌الامکان ریشه‌یابی هر یک»، استاد راهنما: تقی وحیدیان کامیار، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۳۸۵ص.

۲۱. باقرپسندی، مهدی (۱۳۷۸)، «بررسی گویش لنگا (مازندرانی)»، استاد راهنما: فرح زاهدی، رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تهران، ۱۵۹ص.

۲۲. پویان‌فر، فضل‌الله (۱۳۷۸)، «بررسی فرآیندهای ساخت‌وازی در گویش مازندران (گویش بابل)»، استاد راهنما: سیدمهدی سبائی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۴۰ص.

۲۳. موسوی، سیدیحیی (۱۳۷۸)، «ساخت‌واژه در گویش مازندرانی»، استاد راهنما: علی‌الحقی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۱۴ص.

۲۴. بشیرنژاد، حسن (۱۳۷۹)، «بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و مازندرانی دانش‌آموزان



و معلمان دوره متوسطه شهرستان آمل»، استاد راهنما: یحیی مدرس، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰ ص.

۲۵. شعبانی، محمدباقر (۱۳۷۹)، «بررسی و توصیف گویش شویلاشت دهستان بخش چهاردانگه شهر کیاسر (شهرستان ساری)»، استاد راهنما: رضا زمردیان، رشته آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۶۹ ص.

۲۶. گلستانی، حمید (۱۳۷۹)، «نحو گویش مازندرانی (ساروی) در قالب نظریه اصول و پارامترهای چامسکی (۱۹۸۲، ۱۹۸۶، ۱۹۹۲)»، استاد راهنما: منیره یوحانی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان، ۱۲۸ ص.

۲۷. رضایپور، ابراهیم (۱۳۷۹)، «رمزگردانی از منظر کلامی و جنبه‌های کاربردشناختی بین افراد دوزبانه فارسی و مازندرانی در شهر آمل»، استاد راهنما: سیدمحمد ضیاءحسینی، رشته آموزش زبان فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۱۳ ص.

۲۸. مجیبی، بهروز (۱۳۷۹)، «بررسی ساختمان صرفی و آوایی افعال در گویش مازندرانی شاهوی»، استاد راهنما: ارسلان گلفام، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۰ ص.

۲۹. مدنی، الهام (۱۳۷۹)، «بررسی گفتار کودکان با تکیه بر گویش ساروی»، استاد راهنما: یدالله ثمره، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۲۴۸ ص.

۳۰. ابراهیم‌پور کُرد رودباری، سیروس (۱۳۸۰)، «بررسی ساختمان گروه اسمی در گویش مازندرانی بر مبنای نظریه ایکس تیره»، استاد راهنما: علی درزی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

۳۱. میراسماعیلی، محمود (۱۳۸۰)، «بررسی خطاهای زبانی در نوشتار فارسی‌آموزان مازندرانی زبان با توجه به سطح متوسط زبان‌آموزی»، استاد راهنما: سیدمحمد ضیاءحسینی، رشته آموزش زبان فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۷۳ ص.

۳۲. اکبرپور، جعفر (۱۳۸۱)، «بررسی خطاهای نوشتاری زبان‌آموزان مازندرانی زبان

پایه چهارم و پنجم شهرستان بهشهر»، استاد راهنما: سیدمحمد ضیاءحسینی، رشته آموزش زبان فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

۳۳. رجب‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۸۱)، «برخورد زبانی میان فارسی، مازندرانی، ترکی در شهرستان گلوگاه»، استاد راهنما: سید محمد ضیاءحسینی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی.

۳۴. فلاح، علی‌محمد (۱۳۸۱)، «گروه‌های نحوی در گویش آملی (مازندرانی)»، استاد راهنما: ایران کلباسی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۰ص.

۳۵. آذری حمیدیان، شادی (۱۳۸۲)، «طرح ملی گویش‌شناسی ایران (بررسی مقایسه‌ای واژگان و جملات پایه در چهل روستا از استان‌های گیلان و مازندران)»، استاد راهنما: ایران کلباسی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۳۰۱ص.

۳۶. احمدی‌نسب عمران، شهرام (۱۳۸۲)، «بررسی گویش سنگچالی»، استاد راهنما: بدرالزمان قریب، رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تهران، ۲۴۳ص.

۳۷. جلالی کندلوسی، مرتضی (۱۳۸۳)، «بررسی ساختار گروه اسمی در گویش غرب مازندران (نوشهر) بر اساس نظریه ایکس تیره»، استاد راهنما: همن زندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۱۹ص.

۳۸. اسفندیار، اصغر (۱۳۸۵)، «بررسی گویش روستای لزور در فیروزکوه»، استاد راهنما: ایران کلباسی، رشته زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳۴۷ص.

۳۹. اسفندیاری، مصطفی (۱۳۸۵)، «روابط مرجع‌گزینی در گویش مازندرانی قائم‌شهر و مقایسه آن با زبان انگلیسی»، استاد راهنما: محمد مهدی واحدی لنگرودی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۱۵ص.

۴۰. بالابندیان، محمد مهدی (۱۳۸۵)، «توصیف ساختمان فعل در گویش رامسری»، استاد راهنما: مجتبی منشی‌زاده، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۵۱ص.

۴۱. ذکایی، حسین (۱۳۸۵)، «بررسی فرآیندهای واجی گونهٔ اصیل شهر نور»، استاد راهنا: یدالله پرمون، رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۴۲. سلیمی خورشیدی، علی (۱۳۸۵)، «بررسی ساختار گروه اسمی در گویش مازندرانی بر اساس نظریهٔ ایکس تیره»، استاد راهنا: ارسلان گلغام، رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۸۲ ص.
۴۳. لاریجی، مهرانوش (۱۳۸۵)، «بررسی تشابه شاخص زبانی «توالی واژگانی» بین زبان‌های اول و سوم: مطالعه‌ای بر روی صفات وصفی مستقیم در مازندرانی و انگلیسی»، استاد راهنا: احمد معین‌زاده، رشتهٔ آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان.
۴۴. مختاری، معصومه (۱۳۸۵)، «بررسی تکیه در زبان مازندرانی»، استاد راهنا: محمود بی‌جن‌خان، رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۰۸ ص.
۴۵. مددی، نیا (۱۳۸۵)، «بررسی زبان‌شناختی گویش شه‌میرزادی»، رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور.
۴۶. مهربانی، ژیلا (۱۳۸۵)، «بررسی و توصیف ساخت آوایی گویش بابل‌سری: رویکردی زایشی»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان.
۴۷. واسو جویباری، خدیجه (۱۳۸۵)، «بررسی تفاوت بین نسلی در کاربرد واژه‌های مازندرانی جویباری»، استاد راهنا: شهین نعمت‌زاده، رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهراء، ۲۴۱ ص.
۴۸. یدالله‌پور، زبیده (۱۳۸۵)، «بررسی آواشناختی گویش مازندرانی (لهجهٔ بابل)»، استاد راهنا: گلناز مدرّسی قوامی، رشتهٔ آموزش زبان فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۴۹. اکبرپور، رسول (۱۳۸۶)، «بررسی ساختار دستوری گویش بابل»، استاد راهنا: اورنگ ایزدی، رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۷۲ ص.
۵۰. بابائزاد افغان، مریم (۱۳۸۶)، «تأثیر گویش بابل بر روی نوشتار فارسی دانش‌آموزان این شهر»، استاد راهنا: یدالله پرمون، رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور تهران، ۹۴ ص.

۵۱. رحمتی، رضا (۱۳۸۶)، «بررسی گویش روستای رستم‌رود در شهرستان نور»، استاد راهنما: ایران کلباسی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور تهران.
۵۲. رضایپور، محمدعلی (۱۳۸۶)، «بررسی مقابله‌ای گونه‌های زبانی گویش مازندرانی در صرف فعل»، استاد راهنما: علی اکبر رستمی ابوسعیدی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۰ ص.
۵۳. رضایی، علی (۱۳۸۶)، «بررسی ساخت واجی گویش مازندرانی منطقه سوادکوه بر پایه واج‌شناسی زایشی»، استاد راهنما: عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۴۱ ص.
۵۴. غلامی ورنندی، مینا (۱۳۸۶)، «میزان تأثیرپذیری گویشوران ساروی از فارسی معیار: یک بررسی در چهارچوب گویش‌شناسی شهری»، استاد راهنما: علی افخمی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
۵۵. احمدی، مصطفی (۱۳۸۷)، «مقایسه دو گونه قائم‌شهری و سوادکوهی در استان مازندران»، استاد راهنما: ایران کلباسی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۵۶. ایزدی‌فر، راحله (۱۳۸۷)، «مفعول‌نمایی افتراقی در منتخبی از زبان‌های ایرانی نو شمال غربی»، استاد راهنما: محمد راسخ‌مهند، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.
۵۷. پورمحمد، مهدی (۱۳۸۷)، «خطاهای واژگانی-معنایی و رمزگردانی گویشوران مازندرانی (بابلی) در فارسی گفتاری»، استاد راهنما: مجتبی منشی‌زاده، رشته آموزش زبان فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۵۸. ترک مین‌باشی رزگاه، جاوید (۱۳۸۷)، «بررسی ساختمان واژه در گویش مازندرانی نوشهر»، استاد راهنما: مراد باقرزاده کلسانی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس.
۵۹. جعفرزاده، محسن (۱۳۸۷)، «گویش قائم‌شهری: موقعیت، کاربرد و نگرش گویشوران»،

استاد راهنا: نسترن توکلی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس، ۲۳۱ ص.

۶۰. پیشرویان، مسعود (۱۳۸۸)، «ساختن واژه در گویش تنکابنی»، استاد راهنا: آزیتا افراشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر.

۶۱. ترابی، بنفشه (۱۳۸۸)، «وجه و وجه‌نمایی در گویش مازندرانی از دیدگاه نقش‌گرای هلیدی»، استاد راهنا: کیوان زاهدی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۲۳ ص.

۶۲. تقدسی، نینا (۱۳۸۸)، «بررسی گویش آملی»، استاد راهنا: محسن ابوالقاسمی، رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۶۲ ص.

۶۳. ثامنی، شهناز (۱۳۸۸)، «بررسی ساختار و معنای صورت‌های دوگان‌ساخته در گویش‌های سواحل جنوبی دریای خزر»، استاد راهنا: مهرداد نغزگوی کهن، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینای همدان.

۶۴. ریحانی، نظر (۱۳۸۸)، «بررسی ساخت و نقش‌های گروه‌ها در گویش مازندرانی (لهجه بهشهری) بر اساس نظریه اصول و پارامترها»، استاد راهنا: خسرو غلامعلی‌زاده، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

۶۵. عامریان، فاطمه (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر سن و جنسیت بر کاربرد مازندرانی در میان مهاجران مازندرانی دوزبانه ساکن تهران»، استاد راهنا: یحیی مدرسی، رشته زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۱۹ ص.

۶۶. کلهر، مریم (۱۳۸۸)، «نظام آوایی گونه ولاتروبی (روستای ولایت‌رود) از گویش مازندرانی بر اساس انگاره واج‌شناسی زایشی و پس‌زایشی (جزء مستقل)»، استاد راهنا: سیدمحمد ضیاء‌حسینی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، ۲۲۱ ص.

۶۷. لطیفی رستمی، سیده فاطمه زهرا (۱۳۸۸)، «توصیف گروه فعلی گویش مازندرانی

(رستم‌کلایی) بر پایه نظریه ایکس تیره»، استاد راهنا: فردوس آقاگل‌زاده، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی.

۶۸. نصیری الموتی، سارا (۱۳۸۸)، «بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش رایج در شهر تنکابن با توجه به بافت و موقعیت و متغیرات سن، جنس، شغل، تحصیلات و زبان مادری همسر»، استاد راهنا: محسن زندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران، ۲۴۹ ص.

۶۹. نوری، الهه (۱۳۸۸)، «مقایسه گویش بابل (مازندرانی) و گویش تالشی شهرستان تالش»، استاد راهنا: ایران کلباسی، رشته زبان‌شناسی همگانی، ۲۴۲ ص.

۷۰. احمدی، ایوب (۱۳۸۸)، «بررسی زبان‌شناختی گویش طبری»، استاد راهنا: موسی محمودزهی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۷۱. پیرزاد، ناصر (۱۳۸۹)، «توصیف مشخصه‌های تصریفی فعل در گویش مازندرانی (گونه بابل)»، استاد راهنا: محمدحسین قرشی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بیرجند، ۱۲۳ ص.

72. Rahmani, Zeynolabedin (2010), "A head parameter survey on Mazandarani dialect and its effect(s) on learning English from CA perspective (on the basis of X bar syntax)", Supervised by: Dr. Ali Alizadeh, Department of Linguistics, Birjand University, 126 p.

[رحمانی، زین‌العابدین (۱۳۸۹)، «بررسی پارامتر هسته در گویش مازندرانی و تأثیر آن بر یادگیری زبان انگلیسی از منظر زبان‌شناسی مقابله‌ای (بر اساس نحو ایکس تیره)»، استاد راهنا: علی عزیزاده، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بیرجند، ۱۲۶ ص.]

۷۳. فاضل هریکنده‌ای، عبدالعلی (۱۳۸۹)، «بررسی صرفی کتاب کنزالاسرار مازندرانی»، استاد راهنا: مهرداد نغزگوی کهن، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینای همدان، ۱۵۵ ص.

۷۴. همایان ساروی، خدیجه (۱۳۸۹)، «بررسی رده‌شناختی آرایش جمله و توالی واژگانی در گویش آتی ساروی در چهارچوب نظریه همیگی»، استاد راهنا: مهین‌ناز میردهقان، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی، ۲۸۹ ص.

۷۵. امینی، سیده‌عالیه (۱۳۹۰)، «بررسی ساختواژه در گویش بهشهری»، استاد راهنا: ایران کلباسی، رشته‌زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۱۶ص.
۷۶. دستیار، هانیه (۱۳۹۰)، «بررسی فرآیندهای آوایی در گویش تنکابنی»، استاد راهنا: محمدتقی فاضلی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۴۶ص.
۷۷. زمانی، سلیمه (۱۳۹۰)، «بررسی شبکه‌قواعد واژ-واجی فعل در گویش شهمیرزادی»، رشته‌زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۷۸. روحانی، حسین (۱۳۹۰)، «پژوهشی در فرهنگ بومی و گویش مردم روستای پرور در استان سمنان»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۷۲ص.
۷۹. سیدآقایی رضایی، سیده‌مهنا (۱۳۹۰)، «واژگان روسی دخیل در گویش مازندرانی»، استاد راهنا: آبتین گلکار، رشته‌آموزش زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۸۰. قربانی، مریم (۱۳۹۰)، «بررسی میزان استفاده از گویش گرگانی در بین زنان این شهر بر اساس متغیرهای سن، طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات»، استاد راهنا: یدالله پرمون، رشته‌زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۸۱. کاردرگر، آصفه (۱۳۹۰)، «بررسی گویش فیروزکوهی»، استاد راهنا: ایران کلباسی، رشته‌زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۲۸۱ص.
۸۲. نصیری، مجید (۱۳۹۰)، «بررسی ویژگی‌های آوایی، صرفی و نحوی گویش نُجی بلده‌ای»، استاد راهنا: علی‌اکبر خمیجانی فراهانی، رشته‌زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، استان تهران.
۸۳. بهزادفر، آتنا (۱۳۹۱)، «بررسی فرآیند تضعیف و تقویت در گونه‌های مختلف استان مازندران: رویکرد واج‌شناسی زایشی»، استاد راهنا: عالیله کرد زعفرانلو کامبوزیا، رشته‌زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۸۴. قبادی قادیکلایی، وازنا (۱۳۹۱)، «پیوند واژگانی گویش تبری با زبان‌های باستانی ایران»، استاد راهنا: محمد مهدی اسماعیلی، رشته‌زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

۸۵. مؤمنی، ندا (۱۳۹۱)، «بررسی زبان‌شناختی ساخت تصریفی و اشتقاقی واژه در گویش شه‌میرزادی»، استاد راهنما: سیده‌نازنین امیرارجمندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان.
۸۶. شجاع‌وردی، زهرا (بی‌تا)، «بررسی گروه اسمی گویش تنکابن بر اساس برنامه کمینه‌گرا»، استاد راهنما: محمود فتح‌خوبی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان.
۸۷. غلامی لنگرودی، محمدربیع (بی‌تا)، «بررسی زبان‌شناختی ضرب‌المثل‌های بابل»، استاد راهنما: محمد مهدی اسماعیلی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۸۸. نجاتی، فاطمه (بی‌تا)، «مقایسه دو گونه زبانی گوداری و بهشهری در شهرستان بهشهر»، استاد راهنما: ایران کلباسی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۸۹. امیری رسکتی، حبیب (۱۳۹۲)، «بررسی فرایندهای ساخت‌واژی زبان مازندرانی شهرستان ساری»، استاد راهنما: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۹۰. تقوی کوتنایی، مینا (۱۳۹۲)، «دوگان‌سازی در گویش مازندرانی»، استاد راهنما: مسعود اسدی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۹۱. تقی‌پور، آزاده (۱۳۹۲)، «بررسی روند محجورشدگی واژگان مازندرانی در بابل»، استاد راهنما: حسن بشیرنژاد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۹۲. رحمانی، الهام (۱۳۹۲)، «تحلیل نظریه بهینگی از ساختار هجای مازندرانی»، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
۹۳. سیار کوردی، ستاره (۱۳۹۲)، «طراحی سامانه سلسله‌مراتب واژگانی برای اسم در زبان تبری»، استاد راهنما: علیرضا قلی‌فامیان، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، استان تهران.
۹۴. شیخ‌الاسلامی، مجید (۱۳۹۲)، «بازخوانی متن و لغات نصاب نویافته تبری»، استاد راهنما: حسن بشیرنژاد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.



۹۵. قلی‌تبار، سارا (۱۳۹۲)، «بررسی تحولات واجی گویش مازندرانی (گونه بابل)»، استاد راهنما: محمد مهدی اسماعیلی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

۹۶. سید میرزا پور شیاده، سید یوسف (۱۳۹۲)، «مقایسه میزان کاربرد زبان مازندرانی در جامعه روستایی و شهری شهرستان بابل»، استاد راهنما: حسن بشیرنژاد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۹۷. عزیززاده صحرایی، مجتبی (۱۳۹۲)، «بررسی پیکره‌بنیاد ویژگی‌های رده‌شناختی توالی کلمات در زبان مازندرانی»، استاد راهنما: محمد راسخ محمد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینای همدان.

۹۸. امامی میان‌پشته، جمشید (۱۳۹۳)، «بررسی میزان گرایش والدین مازندرانی به دوزبانه بودن فرزندانشان (مازندرانی-فارسی) در شهرستان بابل»، استاد راهنما: حسن بشیرنژاد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۹۹. برهانی، سمیه‌السادات (۱۳۹۳)، «بررسی ساختمان گروه فعلی در زبان مازندرانی بر اساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی»، استاد راهنما: علی سلیمی خورشیدی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۰۰. حسینی قادیکلایی، سید رضا (۱۳۹۳)، «بررسی نحوی و معنایی نام‌آواهای زبان مازندرانی»، استاد راهنما: شعبان بریمانی ورندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۰۱. ذبیحی اسفندونی، صادق (۱۳۹۳)، «بررسی فرایندهای واجی زبان مازندرانی بر اساس واج‌شناسی زایشی»، استاد راهنما: حسن بشیرنژاد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۰۲. رضی، حسینعلی (۱۳۹۳)، «بررسی ساخت‌واژی فعل‌های مرکب مازندرانی»، استاد راهنما: شعبان بریمانی ورندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۰۳. زالی، رضا (۱۳۹۳)، «بررسی ساختمان افعال در گویش شرق مازندران»، استاد

- راهنا: وحید صادقی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان.
۱۰۴. زنگانه، محدثه (۱۳۹۳)، «گویش کنولی: بقا یا زوال؟»، استاد راهنا: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۱۰۵. شهریار، ذات‌الله (۱۳۹۳)، «بررسی فرآیندهای واجی زبان مازندرانی گویش سوادکوه»، استاد راهنا: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۱۰۶. صابریان ثانی، مرتضی (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر در کاربرد ضرب‌المثل‌های مازندرانی»، استاد راهنا: علی سلیمی خورشیدی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۱۰۷. صفری سراجی، زهرا (۱۳۹۳)، «بررسی گروه قیدی در زبان مازندرانی بر اساس نظریه ایکس تیره»، استاد راهنا: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۱۰۸. عقیلی، سیده‌زهرا (۱۳۹۳)، «بررسی و گردآوری نام ابزارها و اصطلاحات تخصصی پیشه‌های سنتی در استان مازندران»، استاد راهنا: حسن بشیرنژاد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۱۰۹. فلاحی واسکسی، محمد (۱۳۹۳)، «بررسی ساختارهای مجهول در زبان مازندرانی»، استاد راهنا: مسعود اسدی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۱۱۰. قدمی قادی، افسانه (۱۳۹۳)، «بررسی واژه‌بست در زبان مازندرانی»، استاد راهنا: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۱۱۱. کنالانی، ملیحه (۱۳۹۳)، «بررسی میزان رمزگردانی گویشوران مازندرانی، ترکی و کردی (منطقه نارمک تهران)»، استاد راهنا: شعبان بریمانی ورنندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.
۱۱۲. محمدی، طاهره (۱۳۹۳)، «بررسی استعاره شعرهای مازندرانی در چارچوب نظریه طرح‌واره تصویری در معناشناسی شناختی»، استاد راهنا: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی

همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۱۳. مرتضوی کیاسری، مریم (۱۳۹۳)، «بیگانه‌گرایی در دوبله کارتون از زبان فارسی به زبان مازندرانی»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، واحد شهر قدس.

۱۱۴. امیرزاده، هاجر (۱۳۹۴)، «بررسی تحولات آوایی واژه‌های قرضی در زبان مازندرانی»، استاد راهنما: مسعود اسدی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۱۵. خورشیدی هیکویی، علیرضا (۱۳۹۴)، «تأثیر عوامل اجتماعی بر کاربرد زبان مازندرانی در میان دانش‌آموزان متوسطه اول شهر ساری»، استاد راهنما: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۱۶. رستمی ریگ‌چشمه، سهیلا (۱۳۹۴)، «مقایسه دو گونه ساروی و گوداری در شهرستان ساری»، استاد راهنما: ایران کلباسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

۱۱۷. سالافر، مریم (۱۳۹۴)، «تصویرگونگی دوگان‌ساخت‌ها در زبان مازندرانی: طبقه معنایی»، استاد راهنما: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۱۸. مهدی‌زاده گنجی، بهروز (۱۳۹۴)، «بررسی روابط واژگانی در زبان مازندرانی»، استاد راهنما: علی سلیمی خورشیدی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۱۹. میری سیدخیلی، قاسم (۱۳۹۴)، «بررسی مقایسه‌ای زمان دستوری در فارسی و مازندرانی»، استاد راهنما: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۲۰. نیک‌نشان، مرضیه (۱۳۹۴)، «بررسی ضمیر انتزاعی (PRO) در زبان مازندرانی بر اساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی»، استاد راهنما: سیدتقی اندی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۲۱. توسلی، ویدا (۱۳۹۴)، «بررسی وندهای اشتقاقی در زبان مازندرانی»، استاد راهنما: علی سلیمی خورشیدی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

۱۲۲. خال، حمید (بی‌تا)، «بررسی زبان طبری (مازندرانی) به لحاظ دستوری و مقایسه آن با دستور زبان فارسی»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر.  
 ۱۲۳. یعقوبی، مهتاب (۱۳۹۴)، «بررسی واژگان هم‌ریشه زبان مازندرانی و زبان‌های اروپایی»، استاد راهنما: حسن بشیرنژاد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

### ج- پایان‌نامه‌های دکتری

۱. کیا، صادق (۱۳۲۳)، «واژه‌نامه طبری»، استاد راهنما: محمد مقدم، رشته ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ۲۸۹ ص.

2. Zav'jalova .V. I. (1955), "Fonetika gilanskogo i mazanderanskogo jazykov", Avtoreferat dissertatsii na soiskanie uchenoj stepeni kandidata nauk, Leningrad, 257 p.

[زاویالووا.و.ا. (۱۳۳۴)، «آواشناسی زبان‌های گیلانی و مازندرانی»، لنینگراد، ۲۵۷ ص.]

۳. صبا، حسنعلی (۱۳۴۲)، «بررسی تطبیقی گویش‌های ایرانی»، استاد راهنما: محمد مقدم، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ۱۲۵ ص.

۴. کلبادی، وسیمه (۱۳۵۴)، «گویش ساروی»، استاد راهنما: منصور اختیار، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۲۵۰ ص.

5. Sergeant, A. (1978), "Le mazanderani de Babol" (these nonpubliee), Paris.

[سرژان، آ. (۱۳۵۷)، «مازندرانی بابل (پایان‌نامه چاپ‌نشده)»، پاریس.]

6. Borjian, Habib (2004), "The Mazandarani Dialect of Kordkheil", guided by: Garnik Asatrian, Iranian Philology, Yerevan State University.

[برجیان، حبیب (۱۳۸۳)، «گویش مازندرانی کردخیل»، استاد راهنما: گارنیک آساطوریان، رشته ایران‌شناسی، دانشگاه دولتی ایروان.]

7. Mokhtarian, Bahar (2004), "Die Maqamen des Hariri in Tabarischer Übersetzung (I- VII), nach einer Tehraner Handschrift (Bibliothek Malak, ms. 2487)", Dissertation zur Erlangung des Doktorgrades der Eberhard- Karls Universität Tübingen im Fach Irankunde, 167 p.

[مختاریان، بهار (۱۳۸۳)، «ترجمه مقامات حریری به زبان طبری»، رشته ایران‌شناسی، دانشگاه ایپرهارد – کارلز توپینگن آلمان، ۱۶۷ ص.]

۸. بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۶)، «مازندرانی: جایگاه، کاربرد و نگرش‌های گویشوران در استان مازندران»، استاد راهنما: یحیی مدرسی، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۱۴ ص.

9. Shahidi, minoo (2008), "A Sciolinguistic Study of Language Shift in Mazandarani", Supervisor: Peter Trudgill, University of Lausanne.

[شهیدی، مینو (۱۳۸۷)، «بررسی روند جایگزینی زبانی در مازندرانی از نظر جامعه‌شناسی زبان»، استاد راهنما: پیتر ترادگیل، دانشگاه لوزان سوئیس].

۱۰. بختیاری، فرزاد (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی ساختمان گروه اسمی زبان فارسی و گویش‌های تالشی، آذری (تاتی جنوبی)، گیلکی و تبری (مازندرانی)»، استاد راهنما: علی اشرف صادقی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ۷۴۲ ص.

۱۱. ابراهیمی، عباس‌علی (۲۰۱۰)، «خصوصیات زبان طبری»، استاد راهنما: گارنیک آساطوریان، رشته زبان‌شناسی ایرانی، دانشگاه دولتی ایروان.

۱۲. شاکری، مهدی (۱۳۸۹)، «مقایسه دستوری گویش مازندرانی (منطقه زارم‌رود) با زبان‌های ایرانی میانه غربی (فارسی میانه، پهلوی اشکانی)»، استاد راهنما: زهره زرشناس، رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۳. فرشیدفر، علی (۲۰۱۱)، «اصطلاحات کشاورزی و دامداری در گویش‌های مازندران»، استاد راهنما: گارنیک آساطوریان، رشته ایران‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی آریا.

۱۴. ملایی پاشایی، سیف‌الله (۱۳۹۳)، «گویش سنجی رایانشی دامنه شمالی البرز مرکزی بر پایه الگوریتم لئونشتین: تدوین یک اطلس زبان‌شناختی»، استاد راهنما: آرزو نجفیان، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران.

## ۵- نتایج

اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که تاکنون ۱۴۳ پایان‌نامه دربارهٔ زبان مازندرانی نوشته شده که ۶ پایان‌نامه مربوط به دورهٔ «کارشناسی»، ۱۲۳ پایان‌نامه مربوط به دورهٔ «کارشناسی ارشد» و ۱۴ پایان‌نامه مربوط به دورهٔ «دکتری» است. اکثر این پایان‌نامه‌ها در ایران و به «زبان فارسی» نوشته شده‌اند، اما از میان آنها، ۸ پایان‌نامه به «زبان‌های خارجی» نگارش یافته‌اند. ۵ پایان‌نامه نیز در کشورهای ارمنستان، فرانسه، روسیه، آلمان و سوئیس، به زبان علمی رایج در این کشورها و ۳ پایان‌نامه در دانشگاه‌های داخل کشور به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند.

نگارنده در این مقاله کوشیده‌است نشان دهد که تاکنون در پایان‌نامه‌های دانشگاهی چه پژوهش‌هایی دربارهٔ «زبان مازندرانی» انجام پذیرفته‌است. اگر امکان دسترسی به تمامی پایان‌نامه‌ها وجود داشت، نگارنده می‌توانست تحقیقات دانشگاهی دربارهٔ «زبان‌شناسی مازندرانی» را با دقت بیشتری بررسی کند و به نتایج ژرف‌تری برسد. متأسفانه این امکان -به‌جز در مواردی محدود- فراهم نشد؛ با این حال، نگارنده با بررسی دقیق اطلاعات گردآوری شده، به نتایجی در حوزهٔ پژوهش‌های زبان مازندرانی رسیده‌است که آگاهی از آنها می‌تواند برای پژوهشگران جالب و مفید باشد. این نتایج عبارت‌اند از:

۱- از نظر موضوعی، بیشتر پایان‌نامه‌های این مجموعه، به توصیف<sup>۱</sup> یکی از گونه‌های زبان مازندرانی پرداخته‌اند. از آنجا که یکی از کارهای بایسته و ضروری که باید برای «زبان‌های در معرض خطر» انجام گیرد، ثبت و ضبط و مستندسازی آنهاست، این نوع پایان‌نامه‌ها، بسیار ارزشمندند. حال که پایان‌نامه‌های بسیاری به توصیف زبان مازندرانی پرداخته‌اند، فرصت مناسبی دست داده‌است تا خود این پایان‌نامه‌ها نیز از دید انتقادی، مورد بررسی قرار گیرند. بهتر است از این پس، دانشجویان، به جای تکرار این نوع توصیفات، خود این پایان‌نامه‌ها را موضوع پژوهش خود قرار دهند و به نقد و ارزیابی آنها پردازند.

تاکنون چند نمونه از این بررسی‌های انتقادی دربارهٔ موضوعات دیگر، در برخی از دانشگاه‌های کشور انجام شده که مشابه آنها در مورد پایان‌نامه‌های زبان مازندرانی نیز می‌تواند انجام گیرد (برای

<sup>1</sup> description

مثال، نک: گلایبی، ۱۳۸۱؛ طاولی، ۱۳۸۵؛ غلامی‌نژاد، ۱۳۸۶؛ نمدجیان، ۱۳۸۶). به‌عنوان نمونه، به دانشجویان پیشنهاد می‌شود پایان‌نامه‌هایی را که به یک موضوع مشترک مانند **آواشناسی**، **ساخت‌واژه** یا **ساخت نحوی** لهجه خاصی از زبان‌مازندرانی پرداخته‌اند، با هم مقایسه کنند و با توجه به داده‌هایی که از گونه‌های مختلف این زبان در این پایان‌نامه‌ها وجود دارد، آنها را به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای، مورد مطالعه انتقادی قرار دهند.

افزون بر توصیف زبان‌مازندرانی، شماری از این پایان‌نامه‌ها به مسائل اجتماعی این زبان پرداخته‌اند که جنبه کاربردی بیشتری دارد. همان‌طور که پیش از این گفته شد، از آنجا که زبان‌مازندرانی جزو «زبان‌های در معرض خطر» محسوب می‌شود، پایان‌نامه‌هایی که به این نوع موضوعات می‌پردازند، مطمئناً می‌توانند پاسخگوی نیازهای ضروری‌تری باشند (برای نمونه، نک: بشیرنژاد، ۱۳۷۹؛ هو، ۱۳۸۶؛ رضایپور، ۱۳۷۹؛ واسو جویباری، ۱۳۸۵؛ غلامی ورنی، ۱۳۸۶؛ شهیدی، ۲۰۰۸؛ عامریان، ۱۳۸۸؛ نصیری الموقی، ۱۳۸۸؛ رحانی، ۱۳۸۹؛ قربانی، ۱۳۹۰؛ میرزاپور، ۱۳۹۲؛ امامی میان‌پشته، ۱۳۹۳؛ خورشیدی هیکویی، ۱۳۹۴). بر همین اساس، پایان‌نامه‌هایی نیز که به مسائل دوزبانگی و آموزش زبان در مازندران اختصاص یافته‌اند، اولویت بیشتری دارند (برای نمونه، نک: میراسماعیلی، ۱۳۸۰؛ اکبرپور، ۱۳۸۱؛ رجب‌زاده، ۱۳۸۱؛ لاری، ۱۳۸۵؛ بابانژاد افغان، ۱۳۸۶؛ رحانی، ۱۳۸۹).

برخی تصور می‌کنند، زبان‌شناسان به‌عنوان یک آکادمیسین، در برج عاج خود نشست‌اند و تنها به موضوعات انتزاعی و ذهنی می‌پردازند و با مسائل و نیازهای جامعه سروکار ندارند. پرداختن به این نوع موضوعات کاربردی، این تصور را تصحیح می‌کند. به همین سبب، توصیه ما به دانشجویانی که قصد نوشتن پایان‌نامه‌ای درباره زبان‌مازندرانی دارند، این است که موضوعات کاربردی‌تری را انتخاب کنند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای اساسی‌تر جامعه باشند.

۲- زبان‌شناسان معتقدند کار کسی که به توصیف زبانی می‌پردازد، زمانی علمی خواهد بود که مبنای پژوهش خود را بر پایه یکی از «نظریه‌های عمومی زبان»<sup>۱</sup> قرار دهد. نظریه را به مشعل و چراغی تشبیه کرده‌اند که راه پژوهشگر را در مطالعات زبانی روشن می‌کند. وقتی محقق بدون اتکا به یک نظریه زبان‌شناسی، وارد عرصه تحقیق شود، به بیراهه می‌افتد و

<sup>1</sup> general linguistic theories

توصیف او از ساختمان زبان، آشفته، نامنظم و نهایتاً نادرست و گمراه‌کننده خواهد بود (باطنی، ۱۳۶۴: ۱۴-۱۵).

در طول یک سده‌ای که از ظهور علم زبان‌شناسی در جهان می‌گذرد، نظریه‌های مختلفی در این رشته مطرح شده که می‌توان همه آنها را ذیل چهار نگرش کلی صورت‌گرا<sup>۱</sup>، نقش‌گرا<sup>۲</sup>، شناخت‌گرا<sup>۳</sup> و رده‌شناختی<sup>۴</sup> قرار داد (دبیرمقدم، ۱۳۹۵: ۱-۲). از میان این چهار نگرش، دیدگاه صورت‌گرا بیشتر مورد توجه مجامع علمی و دانشگاهی ایران بوده و تاکنون بیشتر پژوهش‌های زبان‌شناسی در ایران در چهارچوب نظریات صورت‌گرا انجام شده است. راسخ مهند (۱۳۹۶: ۱۲-۱۴) پنج دلیل برای گرایش به نظریه‌های صورت‌گرا و بی‌توجهی به نگرش‌های دیگر به‌ویژه دیدگاه نقش‌گرا در ایران مطرح کرده است؛ از جمله اینکه در میان واحدهای درسی رشته زبان‌شناسی، بیشتر دروس به آموزش دیدگاه زایشی اختصاص یافته‌است و اگر سخنی از دیدگاه‌های دیگر به میان آید، بسیار گذراست. به همین سبب، دانشجویان با مکاتب دیگری غیر از مکتب صورت‌گرا، آشنایی عمیقی پیدا نمی‌کنند و در نتیجه، آمادگی چندانی برای نگارش پایان‌نامه در چهارچوب دیدگاه‌های دیگر ندارند.

به همین سبب، در پایان‌نامه‌های مازندران هم گرایش به نظریه‌های زایشی، غالب است؛ به‌طوری‌که از بین این پایان‌نامه‌ها، پانزده پایان‌نامه در چهارچوب دیدگاه‌های چامسکی نوشته شده‌است. چامسکی در طول بیش از شش دهه فعالیت علمی، در چهارچوب دیدگاه‌های خود، الگوهای مختلفی مانند: «نظریه معیار» (۱۹۶۵)، «نظریه معیار گسترده» (۱۹۷۰)، «نظریه معیار گسترده بازنگری‌شده» (۱۹۷۳)، «نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی» (۱۹۸۱)، «نظریه اصول و پارامترها» (۱۹۸۶) و «برنامه کینه‌گرا» (۱۹۹۵) را مطرح کرده که از میان آنها، در این مجموعه، شش پایان‌نامه فقط بر اساس یکی از مفاهیم طرح‌شده از سوی او، یعنی «قواعد ایکس تیره»<sup>۵</sup> به نگارش درآمده‌است.

البته تسلط نظریات چامسکی بر محافل دانشگاهی، تنها مربوط به ایران نیست، بلکه موجی است جهانی؛ به‌طوری‌که به‌گفته دبیرمقدم، ۹۰ درصد گروه‌های زبان‌شناسی در آمریکا

<sup>۱</sup> formal

<sup>۲</sup> functional

<sup>۳</sup> typological

<sup>۴</sup> cognitive

<sup>۵</sup> x-bar rules



و از آن گسترده‌تر، در سطح آمریکای شمالی - دارای گرایش **زایشی** هستند (رضوی/صناعی، ۱۳۹۶: ۲۰، ۳۸). اساساً در دهه‌های گذشته در بسیاری از محافل زبان‌شناسی در دنیا، این‌گونه القا شده بود که زبان‌شناسی یعنی دستور زایشی و دستور زایشی یعنی زبان‌شناسی (راسخ‌مهند، ۱۳۹۶: ۴۶). به همین دلیل، در پایان‌نامه‌های مورد مطالعه ما نیز، حضور بقیه دیدگاه‌ها و نگرش‌های زبان‌شناسی مانند نقش‌گرایی، شناخت‌گرایی و رده‌شناسی زبان کم‌رنگ است. شایسته است دانشجویان از این پس، در پژوهش‌های خود از این دیدگاه‌ها بیشتر استفاده کنند (برای آگاهی بیشتر از این مکاتب، نک: راسخ‌مهند، ۱۳۹۶؛ همو، ۱۳۹۸).

۳- هر کس که می‌خواهد به مطالعه علمی بپردازد، نخست باید محدوده پژوهش خود را مشخص کند. با توجه به اینکه در هر جامعه زبانی، تنوع و گوناگونی زیادی وجود دارد، برای اینکه دقت و انسجام تحقیق حفظ شود، لازم است پیشاپیش مشخص شود که پژوهشگر، کدام **گونه زبانی**<sup>۱</sup> را موضوع تحقیق خود قرار داده‌است. زبان مازندرانی هم مانند هر زبان دیگری، گونه‌های مختلفی دارد که نویسندگان اکثر این پایان‌نامه‌ها با توجه به اینکه خود به کدام گونه، آشنایی یا دسترسی بیشتری داشته‌اند، یکی از این گونه‌ها را برای پژوهش انتخاب کرده‌اند.

مروری بر این مجموعه نشان می‌دهد که تاکنون درباره اغلب گونه‌های زبان مازندرانی، کم و بیش پایان‌نامه‌هایی نوشته شده‌است. سهم هر کدام از مناطق و شهرهای مختلف «مازندرانی‌زبان» در پایان‌نامه‌های مربوط به این زبان عبارتند از: ساری و بابل (هر کدام نه پایان‌نامه)؛ آمل (هشت پایان‌نامه)؛ قائمشهر (هفت پایان‌نامه)؛ تنکابن (شش پایان‌نامه)؛ بهشهر (پنج پایان‌نامه)؛ سوادکوه (چهار پایان‌نامه)؛ نور و فیروزکوه (هر کدام سه پایان‌نامه)؛ رامسر، جویبار، گرگان، دماوند و نوشهر (هر کدام دو پایان‌نامه)؛ نوکنده، گلوگاه، نکا و بابلسر (هر کدام یک پایان‌نامه). همان‌طور که آمار نشان می‌دهد، تاکنون در پایان‌نامه‌های مربوط به زبان مازندرانی، بیشترین تحقیق بر روی گونه «ساری» و «بابل» انجام شده و جای پژوهش بر روی بعضی از گونه‌های دیگر این زبان، خالی است.

<sup>1</sup> linguistic variety

برخی از نویسندگان پایان‌نامه‌های مزبور، گونه زبانی شهر یا روستای خاصی را موضوع تحقیق خود قرار داده‌اند که این محدود بودن دامنه پژوهش طبعاً نتیجه کار آنها را دقیق‌تر و ارزش آن را بیشتر کرده‌است؛ مانند این پایان‌نامه‌ها: شاکری (۱۳۷۶) بر اساس گونه روستای «سیدخیل» در منطقه هزارجریب، واقع در ۸۵ کیلومتری شهر نکا؛ شعبانی (۱۳۷۹) بر اساس گونه روستای «شویلاشت» در منطقه کیاسر، واقع در ۳۵ کیلومتری شهر ساری؛ احمدی‌نسب عمران (۱۳۸۲) بر اساس گونه روستای «سنگچال»، واقع در ۴۰ کیلومتری شهر آمل؛ اسفندیار (۱۳۸۵) بر اساس گونه روستای لزور شهرستان فیروزکوه و رحمتی (۱۳۸۶) بر اساس گونه روستای رستم‌رود شهرستان نور.

۴- یکی از موضوعاتی که در جامعه علمی ما بسیار بحث‌انگیز است، کاربرد سه اصطلاح زبان<sup>۱</sup>، گویش<sup>۲</sup> و لهجه<sup>۳</sup> برای انواع گوناگونی‌های زبانی است. این مشکل در پایان‌نامه‌های این مجموعه نیز مشاهده می‌شود. اگرچه اکثر نویسندگان این پایان‌نامه‌ها بنا بر روال معمول در ایران، مازندرانی را گویش نامیده‌اند، ولی در مواردی از اصطلاح لهجه (برزویی، ۱۳۴۴؛ ساداتیان جویباری، ۱۳۵۰) نیز برای آن استفاده کرده‌اند. گاهی نیز، هم از مازندرانی و هم از شاخه‌های فرعی آن، با عنوان گویش نام برده شده‌است، مانند «گویش مازندرانی (گویش بابلی)» (باقرزاده کاسانی، ۱۳۷۶) و «گویش مازندرانی (گویش بابل)» (پویان‌فر، ۱۳۷۸) و در مواردی هم، زبان اهالی یک روستای کوچک - که در واقع شاخه فرعی‌تر زبان مازندرانی است - گویش نامیده شده‌است، از جمله: گویش سیدخیل (شاکری، ۱۳۷۶)؛ گویش شویلاشت (شعبانی، ۱۳۷۹)؛ گویش سنگچالی (احمدی‌نسب عمران، ۱۳۸۲)؛ گویش روستای لزور (اسفندیار، ۱۳۸۵) و گویش روستای رستم‌رود (رحمتی، ۱۳۸۶).

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که اگر قرار باشد زبان یک روستا که شاخه کوچکی از زبان مازندرانی است، گویش نامیده شود، در مورد شاخه‌های بزرگتر آن، مثل زبان کلی آن شهرستان و استان، از چه اصطلاحی باید استفاده کرد؟ مثلاً اگر زبان اهالی سنگچال را که روستایی کوچک از شهرستان آمل است، گویش بنامیم، زبان دهستان چلاو - که سنگچال، یکی از روستاهای آن است - زبان کلی شهرستان آمل و بالاخره زبان

<sup>1</sup> language

<sup>2</sup> dialect

<sup>3</sup> accent

کلی استان مازندران را چه باید نامید و اگر برای همه از اصطلاح گویش استفاده کنیم، در این صورت، رابطه میان آنها، نامشخص باقی می‌ماند. بنابراین، برای جلوگیری از این ناهماهنگی‌ها پیشنهاد می‌شود برای «کل مازندران»، از اصطلاح زبان، برای شهرها و شهرستان‌ها، از لهجه و برای روستاها، از اصطلاح گونه استفاده شود.

گفتنی است این اختلاف نظر بیش از آن که به نویسندگان این پایان‌نامه‌ها مربوط باشد، از استادان آنها منشأ می‌گیرد. به‌نوشته دیرمقدم (۱۳۸۷: ۹۲، ۱۰۶) زبان‌شناسان ایرانی، دیدگاه‌های بسیار متفاوت و گاه متناقضی درباره این مفاهیم ارائه کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که به‌عنوان نمونه آنچه را که محمدرضا باطنی، گویش خوانده، علی‌اشرف صادقی، لهجه نامیده و آنچه را صادقی، گونه به شمار آورده، باطنی، لهجه دانسته و این ناهماهنگی و نابسامانی باعث سردرگمی و تشویش در جامعه زبان‌شناسی و در بین دانشجویان ایرانی شده‌است. دیرمقدم (۱۳۹۲: بیست‌وچهار) به‌کاربردن اصطلاح گویش را برای زبان‌های محلی ایران، غیردقیق و خلاف تعریف معیار و جهانی این مفهوم می‌داند و بر این اساس معتقد است که باید این اصطلاح را برای زیربخش‌ها یا گونه‌های فرعی یک زبان به کار ببریم. برای آشنایی بیشتر با دیدگاه دیرمقدم (۱۳۸۷: ۱۲۰؛ ۱۳۹۲: بیست‌وسه)، در اینجا تعریفی را که او از این اصطلاحات ارائه کرده، مطرح می‌کنیم. این تعاریف، مطابق است با معیارهای علمی و مورد اجماع جامعه زبان‌شناسی در جهان:

- زبان: دو گونه زبانی که سخنگویان آنها، سخن همدیگر را نمی‌فهمند، هر کدام زبان جداگانه‌ای هستند؛ مانند: فارسی، مازندرانی، گیلکی، تالشی و تاتی که هر کدام، زبانی مستقل از گروه زبان‌های ایرانی به شمار می‌آیند.

- گویش: دو گونه زبانی که سخنگویان آنها با وجود تفاوت‌های آوایی، واژگانی و دستوری، سخن همدیگر را می‌فهمند، گویش‌های یک زبان هستند؛ مانند: شهمیرزادی، تنکابنی و قصرانی که گویش‌هایی از زبان طبری یا مازندرانی به شمار می‌آیند.

- لهجه: دو گونه زبانی که سخنگویان آنها با وجود تفاوت‌های آوایی، سخن همدیگر را می‌فهمند، لهجه‌های یک زبان هستند؛ مانند: بهشهری، ساروی، قائم‌شهری، بابل، آملی که همگی لهجه‌هایی از زبان مازندرانی محسوب می‌شوند.

- **گونه:** مفهومی است عام و خنثی که می‌توان آن را به‌عنوان اصطلاحی کلی برای هر کدام از گوناگونی‌های زبانی به کار برد. هر زمان در مورد یک نوع زبانی دقیقاً ندانیم که باید کدامیک از سه اصطلاح: زبان، گویش و لهجه را به کار برد، به‌جای آنها می‌توانیم از کلمه **گونه** استفاده کنیم؛ مانند: گونهٔ دیباجی، گونهٔ چاشمی و گونهٔ ولاثروی. اگر بخواهیم به زبان عامیانه، این اصطلاح را بیان کنیم، می‌توانیم آن را به «آچار فرانسه» تشبیه کنیم که برای هر مشکلی به کار می‌آید. یک اصطلاح دیگر نیز برای نامگذاری گوناگونی‌های زبانی وجود دارد که مارتینه، زبان‌شناس فرانسوی آن را با واژهٔ «patois» بیان کرده‌است. «patois» کوچکترین واحد زبانی - جغرافیایی است که در سطح یک روستا به کار می‌رود (دیپهم، ۱۳۸۴: ۱). شاید این مفهوم را بتوان با اصطلاح «خرده‌لهجه» بیان کرد.

سخن آخر اینکه کوشش ما در این مجموعه بر این بوده که تمامی پایان‌نامه‌هایی که به‌نوعی مربوط به زبان مازندرانی بوده، گردآوری شود، ولی این نوشته، ادعای استقصای تام ندارد و ممکن است برخی از پایان‌نامه‌های مربوط به این زبان، از قلم افتاده باشند. در ضمن، نگارنده با روش‌های مختلف، سعی کرده حداکثر دقت را در ارائهٔ اطلاعات گردآوری‌شده مبذول دارد. با این حال، ممکن است خطاهایی نیز به این مجموعه راه یافته باشد. نگارنده امیدوار است با همکاری صاحبان پایان‌نامه‌های مربوط به زبان مازندرانی، این مجموعه در آینده تکمیل و به‌روز شود و در دسترس همهٔ پژوهشگران قرار گیرد.

### کتابنامه

- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳)، *راهنمای زبان‌های ایرانی (ج ۲)*، ترجمهٔ فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، تهران: انتشارات ققنوس.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴)، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- پیشگام‌داد، طاهره/ زندیان، فاطمه (۱۳۸۶)، «بررسی وضعیت استفاده از پایان‌نامه‌های دانشگاه تربیت مدرس طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۲»، *نما (مجلهٔ الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران)*، دورهٔ ۷، شم ۳.
- پوراحمد جکتاجی، محمدتقی و دیگران (۱۳۷۰)، *کتاب‌شناسی گیلان (ج ۲)*، رشت: سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.

توانچه، فاطمه‌زهرآ (۱۳۸۳)، «کتاب‌شناسی دستور زبان فارسی دوره معاصر (کتاب‌ها، مقاله‌ها، همایش‌ها و پایان‌نامه‌ها) ۱۳۰۰-۱۳۸۳»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سبزوار.

جواندل صومعه‌سرای، نجس (۱۳۷۳)، چکیده پایان‌نامه‌های زبان‌شناسی (از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۲)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷)، «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جملانی»، ادب پژوهی، ش ۵: ۹۱-۱۲۸.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، (۲ج)، تهران: سمت.

راسخ‌محمد، محمد (۱۳۹۶)، نحو زبان فارسی: نگاهی نقشی - رده‌شناختی، تهران: آگه.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۸)، مکاتب زبان‌شناسی، تهران: آگه.

رضوی، محمدرضا/صناعتی، مرضیه (۱۳۹۶)، جشن‌نامه دکتر محمد دبیرمقدم: مجموعه مقالات زبان‌شناختی، تهران: کتاب بهار.

صدربرّاز، مرضیه (۱۳۶۷)، «کتاب‌شناسی توصیفی پایان‌نامه‌های تحصیلی زبان و ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۳۷۸ ص.

صمدی، حسین (۱۳۷۲)، کتاب‌نامه مازندرانی (۲ج)، ساری: سازمان برنامه و بودجه استان مازندران.

طاولی، وحید (۱۳۸۵)، «بررسی و مقایسه کلیه پایان‌نامه‌های موجود در دانشگاه‌های تهران در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری پیرامون رشد آوایی کودک فارسی‌زبان در سنین مختلف در دهه اخیر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

غلامی‌نژاد، محمدعلی/قبول، احسان (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات فارسی»، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهرگویا)، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۸۶، انجمن ترویج زبان و ادب فارسی.

فرهادی، حسین (۱۳۸۱)، اصول و روش تحقیق در زبان‌شناسی کاربردی، ترجمه فاطمه جواهری کویابی و هاجر خان‌محمد، تهران: رهنا.

کلباسی، ایران (۱۳۸۸)، فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و

## مطالعات فرهنگی.

گلابی، حبیب‌الله (۱۳۸۱)، «بررسی اجمالی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳۸۲ ص.  
 گلبن، محمد (۱۳۵۶)، کتاب‌شناسی زبان و خط، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.  
 متاجی کجوری، صاحبه (۱۳۸۵)، کتاب‌شناسی مازندران، تهران: آرون.  
 مهیار، محمد (۱۳۸۱)، کتاب‌شناسی دستور زبان فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار).

ناصر، محمدامین (۱۳۸۰)، فهرست پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری در زمینه گویش‌های ایران (از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۹)، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.  
 \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، چکیده پایان‌نامه‌های حوزه زبان و زبان‌شناسی (از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۸۵)، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

ندچیان، عشرت (۱۳۸۶)، «بانک اطلاعات پایان‌نامه‌های گویشی و نقد آنها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.  
 هاشمیان، لیلا (۱۳۷۵)، «کتاب‌شناسی توصیفی گویش‌های ایرانی (تا پایان سال ۱۳۶۰)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۲۳۱ ص.

Borjani, H. (2004), "Māzandarān: Language and People (The State of Research)", *Iran & the Caucasus*, Vol. 8(2): 289-328.

<http://www.irandoc.ac.ir>

<http://sika.iaui.ac.ir>

<http://tc.iaui.ac.ir>

<http://ut.ac.ir>

<http://www.modares.ac.ir>

<http://fgn.ui.ac.ir>

<http://www.um.ac.ir>

**A Catalogue of the Dissertations on the Mazandarani Language**  
(Performed from 1944 until 2015)

*Mohammad-Saleh Zakeri*  
*Islamic Azad University, Tehran*

***Abstract***

Dissertations are considered as the utmost research sources although their accessibility in Iran is difficult. In previous years, some dissertations on the local dialects of Iran have sporadically have produced. In recent decades, some researchers have also made valuable efforts to introduce dissertations on Iranian languages. Considering to the extent of researches on the Mazandarani language, the author has tried to introduce the dissertations on the Mazandarani language separately. Therefore the features of 143 on the Mazandarani language performed BA, MA and, Ph.D. levels will be provided and the results will be discussed in the present paper.

***Keywords:*** *Mazandarani Language, MA Dissertation, Ph.D. Dissertation*